

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

ملت الجزاير آزاد و مصمم بر آزاد ماندن است. تاريخ اين ملت تسلسل طولاني مبارزاتي است كه الجزاير را مهد آزادي و شرافت نموده است.

الجزاير، در ميان كوههاي عظيمي كه مدیترانه در طول تاريخ خود با آنها آشناست، مي تواند در تسلسل خود از دوران پادشاهي «نوميدي» ها و فتوحات اسلامي تا جنگهاي استعماري توأماً مبشرين آزادي، اتحاد، رشد و توسعه و معماران حكومت ديمقراطي، و موفق در دوران عظمت و آرامش را باز شناسد.

روز اول نوامبر سال ۱۹۵۴ يكي از نقاط درخشان تاريخ الجزاير است. اين روز، به مثابه روز پايان مقاومت درازمدت ملت الجزاير در مقابل تهاجمات تهديدگرفرنگ، ارزشها و هويت اين ملت، مبارزات كنوني را در گذشته درخشان ملت الجزاير حك مي كند.

ملت الجزاير ابتدا در جنبش ملي و سپس در جبهه آزاديبخش ملي گرد آمدند و خون خود را در راه تضمين آزادي و هويت فرهنگي بازيافته خود فدا نمودند و به نهادهاي مردمي رسمي دست يافتند.

نهایتاً جبهه آزاديبخش ملي، به بهاي قرباني كردن بهترين فرزندان خود ابتدا نبرد مردمي را به عدم وابستگي مفتخر و سپس دولتي جديد، و مستقل و تمام عيار راپايه گذاري نمود.

اعتقاد جبهه به آرا عمومي امكان دستيابي به موفقيتهاي قطعي را از رهگذر بازيافت غناي ملي و بني حكومتي كه كاملاً در خدمت اوست و اختيارات خود را

در عدم وابستگی کامل و به دور از فشار خارجی اعمال می‌کند برای ملت فراهم آورد.

این قانون اساسی برای ملتی که همیشه در راه آزادی و دموکراسی مبارزه کرده است ترجمان دستیابی به نهادهایی است که ضمن بودن بر شرکت مردم در اداره منافع حکومتی عدالت اجتماعی، برابری و آزادی را برای آحاد ملت محقق می‌سازد.

ملت با تصویب این قانون اساسی به مثابه ماحصل نبوغ خود، انعکاس آمال و آرزوهای خویش، ثمره تصمیم خود و نتیجه جهش عظیم اجتماعی، پرشکوه‌تر از پیش خواهان تقدیس حقوق است.

قانون اساسی به عنوان عالیترین مرجع، قانون بنیادین محسوب می‌شود و حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی را تضمین، از قانون انتخاب آزادانه ملت حمایت می‌کند و به اعمال قدرت مشروعیت می‌بخشد. قانون اساسی حمایت قضایی و واریسی عملکرد مسئولین عالیرتبه را در جامعه‌ای که مشروعیت و شکوفایی انسان بر تمامی ابعادش حاکم است اعمال می‌نماید.

ملت با قدرت ارزشهای معنوی ریشه‌دار و آداب و سنن برادرانه و عادلانه خود، با اتکا بر توان خود کار پیشرفت فرهنگی اجتماعی و اقتصادی جهان امروز و فردا را آغاز نموده است.

تلاش انقلاب اول نوامبر و حرمت ناشی از تعهد نسبت به کلیه دعاوی عادلانه جهانی، موجبات غرور و سربلندی الجزایر به مثابه کشور اسلامی، بخشی از سرزمین مغرب، کشور عرب زبان، مدیترانه‌ای و آفریقایی را فراهم می‌آورد.

غرور و سربلندی ملت، قربانیان آنها، احساس مسئولیت آنها، پایبندی آباء و اجدادی به آزادی و عدالت اجتماعی بهترین تضمین احترام به اصول این قانون اساسی است که ملت پذیرفته و به نسلهای آتی، وارثین بحق پیشتازان و معماران جامعه آزاد انتقال داده است.

فصل اول اصول کلی مشخصه جامعه الجزایر

مبحث نخست الجزایر

اصل اول

الجزایر دارای حکومت جمهوری دموکراتیک خلق و کشوری یکپارچه و تفکیک‌ناپذیر است.

اصل دوم

دین رسمی حکومت اسلام است.

اصل سوم

زبان ملی و رسمی این کشور زبان عربی است.

اصل چهارم

پایتخت این کشور شهر الجزیره است.

اصل پنجم

این اصل در همه پرسي ۳ نوامبر سال ۱۹۸۸ اصلاح شد. متن اصل اوليه به شرح ذیل عبارت است از:
قانون نماد ملي، مهر حکومت و سرود ملي را تعيين مي‌کند. ([۱]۱)

مبحث دوم ملت

اصل ششم

ملت سرمنشأ هر قدرتي است.
حاکميت ملي از آن مردم است.

اصل هفتم

ملت داراي قدرت تشکيلاتي است.
ملت از طريق نهادهايي که تأسيس مي‌کند، حاکميت خود را اعمال مي‌نمايد.
ملت از طريق همه پرسي و به توسط نمايندگان منتخب خويش حاکميت خود را اعمال مي‌نمايد.
رئيس جمهور مي‌تواند مستقيماً به آراء عمومي مراجعه نمايد.

اصل هشتم

ملت نهادهايي را با اهداف زير تأسيس مي‌نمايد:
- حفظ و تقويت استقلال ملي؛
- حفظ و تقويت هويت و وحدت ملي؛
- حمايت از آزاديهاي بنيادين شهروندان و شکوفايي اجتماعي و فرهنگي ملت؛
- حذف استثمار انسان از انسان؛
- حمايت از اقتصاد ملي عليه کليه اشکال سوء استفاده‌هاي مالي يا اختلاس، احتکار يا مصادره غيرقانوني.

اصل نهم

نهادهای مانع از اقداماتي در جهت موارد زير مي‌شوند:
- زمينداري، اعطاي خودمختاري و هزار فاميلي؛
- ايجاد روابط استثماری و پيوندهاي وابستگي؛
- رفتارهاي خلاف اخلاق اسلامي و ارزشهاي انقلاب نوامبر.

اصل دهم

ملت نمايندگان خود را آزادانه برمي‌گزیند.

([۱]۱) حاکميت از آن ملت است و ملت آن را از طريق همه پرسي يا به وسيله نمايندگان خود اعمال مي‌کند.
رئيس جمهور مي‌تواند به آراء عمومي مراجعه نمايد.

نمایندگی ملت فقط در موارد معین در قانون اساسی و قانون انتخابات محدود می‌شود.

مبحث سوم حکومت

اصل یازدهم

مشروعیت و علت وجودی حکومت از اراده ملت ناشی می‌شود.
شعار حکومت عبارت است از: «از ملت و برای ملت».
حکومت به طور کامل در خدمت ملت است.

اصل دوازدهم

حاکمیت حکومت در زمین، هوا و آبهای کشور اعمال می‌شود.
حکومت همچنین اختیارات خود براساس حقوق بین‌المللی را در هر یک از مناطق مختلف دریایی مربوط به خود اعمال می‌نماید.

اصل سیزدهم

به هیچ وجه نمی‌توان هیچ بخشی از خاک کشور را رها یا واگذار نمود.

اصل چهاردهم

حکومت بر اصول سازماندهی دموکراتیک و عدالت اجتماعی پایه‌گذاری شده است.
مجلس منتخب چارچوبی را تشکیل می‌دهد که در آن اراده ملت بیان و کنترل بر عملکرد مسئولین عالیرتبه اعمال می‌گردد.

اصل پانزدهم

تقسیمات کشوری حکومت عبارتند از: بخش و ویلایا (۱[۲])
بخش تقسیم کشوری پایه محسوب می‌شود.

اصل شانزدهم

مجلس منتخب محل رسیدگی به انتقال قدرت مرکزی به مناطق و محل شرکت مردم در اداره امور دولتی است.

اصل هفدهم

داراییهای دولتی جزء اموال بیت المال است. داراییهای مزبور منابع زیرزمینی، معادن و معادن سنگ، منابع طبیعی انرژی، ثروتهای معدنی، طبیعی و زنده مناطق مختلف دریایی، آبها و جنگلها را شامل می شود. علاوه بر این دارایی بر حمل و نقل با راه آهن، حمل و نقل دریایی و هوایی، پست و خابرات راه دور و همچنین سایر اموال معین در قانون اطلاق می گردد.

اصل هجدهم

قانون محدوده ملی را تعیین می کند. این محدوده دربرگیرنده محدوده های دولتی و خصوصی حکومت، ویلایا و بخش است. اداره محدوده ملی طبق قانون صورت می پذیرد.

اصل نوزدهم

سازماندهی تجارت خارجی در حیطه صلاحیت دولت است. قانون شرایط انجام و واریسی تجارت خارجی را تعیین می کند.

اصل بیستم

مصادره اموال فقط در چارچوب قانون امکان پذیر است. مصادره اموال پیشاپیش موجب جبران خسارت درست و عادلانه می شود.

اصل بیست و یکم

سمتهایی که در نهادهای حکومت هستند نمی توانند منبع کسب ثروت یا منافع شخصی محسوب شوند.

اصل بیست و دوم

سوء استفاده از قدرت مجازات قانونی دارد.

اصل بیست و سوم

حکومت مسئول امنیت شهروندان است و حمایت از آنها را در خارج از کشور تضمین می کند.

اصل بیست و چهارم

توان دفاعی ملت حول محور ارتش ملی خلق تقویت می شود و توسعه می یابد. ارتش ملی خلق مسئولیت دائمی حفظ استقلال ملی و دفاع از حاکمیت ملی راعهده دار است.

ارتش ملی خلق مسئول دفاع از یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور و حفاظت از خاک، فضا و مناطق مختلف دریایی است.

اصل بیست و پنجم

الجزایر از توسل به جنگ به منظور خدشه دار کردن حاکمیت مشروع و آزادی سایر ملل اجتناب و تلاش خود را در راه حل صلح آمیز اختلافات بین المللی مصروف می کند.

اصل بیست و ششم

الجزایر همبستگی خود را با کلیه مللی که در راه آزادی سیاسی و اقتصادی و در راه احقاق حق تصمیم گیری برای خود و علیه کلیه اشکال تبعیض نژادی مبارزه می کنند اعلام می دارند.

اصل بیست و هفتم

الجزایر در جهت تقویت همکاری بین المللی و توسعه روابط دوستانه بین حکومتها بر پایه برابری، منافع متقابل و عدم دخالت در امور داخلی تلاش می کند و به اصول و اهداف منشور ملل متحد متعهد است.

مبحث چهارم حقوق و آزادیها

اصل بیست و هشتم

کلیه اتباع بدون هیچ تبعیض به لحاظ تولد، نژاد، جنسیت، اعتقاد یا هر شرط یا وضعیت شخصی یا اجتماعی در مقابل قانون با هم برابرند.

اصل بیست و نهم

قانون تابعیت الجزایر را تعریف می کند.
شرایط کسب، حفظ، فقدان و عدم اعتبار تابعیت الجزایر را قانون تعیین می کند.

اصل سی ام

اهداف عملکرد نهادها عبارت است از برقراری برابری در حقوق و وظایف کلیه اتباع، اعم از مرد یا زن، ضمن حذف موانعی که بر سر راه رشد و ترقی اشخاص و حضور مؤثر همگان در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد.

اصل سی و یکم

آزادیهای بنیادین و حقوق بشر و اتباع تضمین شده است.
حقوق و آزادیهای مزبور میراث ملی هر فرد الجزایری، اعم از مرد یا زن، است که باید به منظور حفظ آن به طور کامل و مصون از هر تجاوزی آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد.

اصل سی و دوم

دفاع انفرادی یا جمعی از حقوق اساسی بشر و آزادیهای فردی و جمعی تضمین شده است.

اصل سی و سوم

حکومت مصونیت شخص انسان را تضمین می کند.
هر نوع خشونت، اعم از جسمی یا روحی، ممنوع است.

اصل سی و چهارم

هر گونه تخطي از حقوق و آزاديها و همچنين وارد ساختن صدمات جسمي وروحي به افراد مجازات قانوني در پي دارد.

اصل سي و پنجم

آزادي مسلك و عقیده مصونیت دارد.

اصل سي و ششم

آزادي آفرينشهاي فكري، هنري و علمي براي اتباع تضمين شده است. قانون از حق تأليف حمايت مي‌کند.

توقيف کليه نشریات، دستگاه صداياري يا هر وسيله ارتباطي يا اطلاع رساني فقط به موجب حکم قضايي امکان پذير است.

اصل سي و هفتم

زندگي شخصي و حيثيت اتباع مصون و مورد حمايت قانون است. مجرمانه بودن کليه اشکال مکاتبات و ارتباط شخصي تضمين شده است.

اصل سي و هشتم

حکومت مصونیت منازل مسکوني را تضمين مي‌کند. بازرسى از منازل فقط به موجب قانون و با رعايت آن صورت مي‌پذيرد. بازرسى از منازل فقط به موجب حکم مکتوب مقام ذيصلاح قضايي انجام مي‌گيرد.

اصل سي و نهم

آزادي بيان، تشکيل گروه و گردهمايي براي اتباع تضمين شده است.

اصل چهل

حق تشکيل گروههاي سياسي به رسميت شناخته شده است. اعمال اين حق به منظور خدشه‌دار ساختن آزاديهاي بنيادين، وحدت ملي، يکپارچگي ارضي، استقلال کشور و حاکميت مردم امکان پذير نيست.

اصل چهل و يکم

کليه اتباع برخوردار از حقوق مدني و سياسي، از حق انتخاب آزادانه محل اقامت و تردد در سطح کشور برخوردارند.

حق ورود و خروج از کشور نيز براي ايشان تضمين شده است.

اصل چهل و دوم

کليه اشخاص تا اثبات جرم ايشان در مرجع قضايي قانوني به همراه کليه تضمينات مندرج در قانون، بي‌گناه شناخته مي‌شوند.

اصل چهل و سوم

هيچ کس متهم شناخته نمي‌شود مگر به موجب قانوني که پيش از ارتکاب جرم توشيح شده باشد.

اصل چهل و چهارم

فقط در موارد معین و طبق اشکال مندرج در قانون می‌توان کسی را تعقیب، جلب یا بازداشت نمود.

اصل چهل و پنجم

در موارد تحقیقات کیفری، بازداشت موقت تحت نظارت قضایی است و نمی‌تواند بیش از چهل و هشت ساعت به طول انجامد.

فردی که موقتاً بازداشت گردیده است باید بلافاصله خانواده خود را ملاقات کند. تمدید استثنائی مدت بازداشت موقت فقط در شرایط مندرج در قانون امکان‌پذیر است.

پس از انقضای مدت بازداشت موقت، در صورت درخواست فرد بازداشت شده، وی باید مورد معاینه پزشکی قرار گیرد؛ و در تمامی موارد باید از این حق خود مطلع شود.

اصل چهل و ششم

حکومت اشتباهات قضایی را جبران می‌نماید. قانون شرایط و چگونگی جبران خسارت را تعیین می‌کند.

اصل چهل و هفتم

کلیه اتباع واجد شرایط قانونی از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردارند.

اصل چهل و هشتم

دستیابی به کلیه سمت‌ها و مشاغل حکومتی، جز در شرایط معین در قانون، برای کلیه اتباع تضمین شده است.

اصل چهل و نهم

مالکیت خصوصی تضمین شده است.

حق ارث تضمین شده است.

اموال وقفی و ابنیه خیریه به رسمیت شناخته شده است؛ قانون از اهداف موارد مذکور حمایت می‌کند.

اصل پنجاهم

حق آموزش و پرورش تضمین شده است. آموزش و پرورش در شرایط معین در قانون رایگان است.

آموزش و پرورش ابتدایی اجباری است.

حکومت نظام آموزش و پرورش را سازماندهی می‌کند.

حکومت بر دستیابی یکسان به آموزش و پرورش و آموزش‌های حرفه‌ای نظارت دارد.

اصل پنجاه و یکم

برخورداری از حمایت بهداشتی حق کلیه اتباع است.

حکومت پیشگیری و مبارزه علیه بیماری‌های مسری و بومی را عهده‌دار است.

اصل پنجاه و دوم

کلیه اتباع از حق کار برخوردار هستند.
قانون حق برخورداری از پشتیبانی، امنیت و بهداشت کار را تضمین می‌کند.
حق استراحت تضمین شده است؛ قانون شرایط اعمال آن را تعیین می‌کند.

اصل پنجاه و سوم

حق تشکیل اتحادیه برای کلیه اتباع به رسمیت شناخته شده است.

اصل پنجاه و چهارم

حق اعتصاب به رسمیت شناخته شده است. این حق در چارچوب قانون اعمال می‌گردد.

قانون می‌تواند اعمال این حق را در موارد دفاع ملی و امنیت یا در مورد کلیه خدمات یا فعالیتهایی که برای جامع منافع حیاتی دارند ممنوع یا تحدید نماید.

اصل پنجاه و پنجم

نهاد خانواده از حق حمایت حکومت و جامعه برخوردار است.

اصل پنجاه و ششم

شرایط زندگی اتباعی که هم اکنون نمی‌توانند یا دیگر نمی‌توانند یا هرگز نخواهند توانست کار کنند تضمین شده است.

مبحث پنجم وظایف

اصل پنجاه و هفتم

چهل به قانون رافع تکلیف نیست.
کلیه اشخاص موظف به رعایت قانون اساسی و هماهنگی خود با قوانین جمهوری هستند.

اصل پنجاه و هشتم

کلیه اتباع موظف به حمایت و حراست از استقلال، حاکمیت و یکپارچگی کشور هستند.

خیانت، جاسوسی، ارتباط با دشمن و همچنین کلیه جرایمی که ارتکاب آنها امنیت حکومت را خدشه‌دار می‌سازد مجازات شدید قانونی را به دنبال دارد.

اصل پنجاه و نهم

کلیه اتباع باید صادقانه تعهدات خود را در برابر ملت انجام دهند.
تعهد اتباع نسبت کشور و الزام در دفاع از آن وظایف مقدس و دائمی بشمار می‌روند.

حکومت احترام به نهادهای انقلاب، یادمان شهدا و حیثیت بازماندگان‌شان ومجاهدین را تضمین می‌کند.

اصل شصتم

مجموعه آزادیهای هر تبعه با احترام به حقوق به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی برای سایرین و به ویژه با احترام به حق حیثیت، مودت و حمایت از خانواده، جوانان و اطفال اعمال می‌شود.

اصل شصت و یکم

اتباع در برابر مالیات با هم مساوی هستند. هر کس باید بنا به توان مالیاتی خود در سرمایه‌گذاری هزینه‌های دولتی شرکت جوید. هر مالیاتی فقط به موجب قانون وضع می‌گردد. هیچ عوارض، سهمیه، مالیات یا حقی به هیچ عنوان به موجب اصل عطف به ماسبق وضع نمی‌گردد.

اصل شصت و دوم

قانون وظایف والدین در امر تعلیم و تربیت فرزندان و حمایت از آنها و همچنین وظایف فرزندان در امر کمک به والدین و دستگیری از ایشان را تعیین می‌کند.

اصل شصت و سوم

کلیه اتباع موظف به حفظ اموال دولتی و منافع ملت و احترام به مالکیت سایرین هستند.

اصل شصت و چهارم

جان و مال کلیه بیگانگان در کشور در حمایت قانون قرار دارد.

اصل شصت و پنجم

هیچ کس جز به موجب و با اجرای قانون استرداد مجرمین مسترد نمی‌شود.

اصل شصت و ششم

پناهندگان سیاسی برخوردار از حق اقامت به هیچ وجه تحویل یا مسترد نمی‌شوند.

فصل دوم سازمادهای قوا

مبحث اول قوه مجریه

اصل شصت و هفتم

رئیس جمهور، رئیس حکومت و نشان وحدت ملت است. وی ضامن قانون اساسی است. وی حکومت را در داخل و خارج از کشور جامعیت می‌بخشد. وی مستقیماً با ملت تماس می‌گیرد.

اصل شصت و هشتم

رئیس جمهور با رأی همگانی مستقیم و محرمانه انتخاب می‌شود. انتخاب براساس اکثریت مطلق آراء مأخوذه انجام می‌شود. قانون سایر شرایط انتخابات ریاست جمهوری را تعیین می‌کند.

اصل شصت و نهم

رئیس جمهور در محدوده معین قانون اساسی مقام عالی دستگاه قضایی است.

اصل هفتم

برای کسب صلاحیت انتخاب شدن در انتخابات ریاست جمهوری باید اصالتاً دارای تابعیت الجزایر، دین اسلام، چهل سال تمام در روز انتخابات و برخوردار از کلیه حقوق مدنی و سیاسی بود.

اصل هفتم و یکم

طول دوره ریاست جمهوری پنج سال است. رئیس جمهور می‌تواند مجدداً به این سمت برگزیده شود.

اصل هفتم و دوم

رئیس جمهور یک هفته پس از انتخابات ریاست جمهوری در مقابل مردم و در حضور شخصیت‌های رده بالای مملکتی مراسم تحلیف را بجا می‌آورد. وی بلافاصله پس از ادای سوگند کار خود را آغاز می‌کند.

اصل هفتم و سوم

رئیس جمهور به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند:
«اینجانب، ضمن اعلام وفاداری به فداکاری بزرگ و به یادمان مقدس شهیدایمان و همچنین به ارزش‌های انقلاب نوامبر، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که به مذهب اسلام احترام بگذارم و آن را عزیز بشمارم، از قانون اساسی حمایت نمایم، انتخاب آزادانه مردم را محترم بشمارم، یکپارچگی خاک کشور، وحدت مردم و ملت را پاس دارم، از آزادی‌ها و حقوق اساسی بشر و اتباع پشتیبانی کنم، با پشتکار در جهت رشد و توسعه و موفقیت ملت کار کنم، با تمام توان خود در راستای تحقق ارزش‌های والای عدالتخواهانه، آزادی و صلح در جهان کوشا باشم.»

اصل هفتم و چهارم

رئیس جمهور علاوه بر اختیاراتی که نص صریح قانون اساسی به وی اعطای می‌نماید، و از اختیارات و امتیازات زیر نیز برخوردار است:

- ۱- فرماندهی کل قوای مسلح؛
- ۲- مسئولیت دفاع ملی؛
- ۳- تدوین و هدایت سیاست خارجی؛
- ۴- ریاست شورای وزیران؛
- ۵- انتصاب و عزل رئیس دولت؛
- ۶- امضای تصویب‌نامه‌های ریاست جمهوری؛
- ۷- انتصاب به مشاغل کشوری و لشکری حکومت؛
- ۸- حق عفو، تخفیف یا تغییر مجازات؛
- ۹- دعوت مردم به همه پرس‌پرسی در مورد کلیه مسائل دارای اهمیت ملی؛
- ۱۰- انتصاب و احضار سفرا و فرستادگان ویژه به کشورهای بیگانه. دریافت گزارش‌ها یا نامه‌های احضار نمایندگان سیاسی بیگانه؛

- ۱۱- انعقاد و تصویب قراردادهای بین‌المللی؛
۱۲- اعطای نشان، امتیازات و عناوین افتخاری حکومت.

اصل هفتاد و پنجم

رئیس دولت اعضای دولت منتخب خود را به رئیس جمهور معرفی و وی ایشان را منصوب می‌نماید.

رئیس دولت برنامه خود را برای ارائه به شورای وزیران تدوین می‌نماید.

اصل هفتاد و ششم

رئیس دولت برنامه‌های خود را برای تصویب به مجلس ملی خلق تقدیم می‌نماید. مجلس ملی خلق بدین منظور مباحث کلی را آغاز می‌کند. رئیس دولت می‌تواند برنامه خود را با نتایج مباحث منطبق کند.

اصل هفتاد و هفتم

رئیس دولت در صورت عدم تصویب برنامه خود در مجلس ملی خلق، استعفای دولت خود را تقدیم رئیس جمهور می‌نماید.

رئیس جمهور به همین منوال فرد دیگری را به ریاست دولت برمی‌گزیند.

اصل هفتاد و هشتم

چنانچه مجلس ملی خلق مجدداً برنامه دولت را تصویب نکند به طور قانونی منحل می‌شود.

انتخابات جدید مجلس حداکثر ظرف سه ماه برگزار می‌شود.

اصل هفتاد و نهم

رئیس دولت برنامه مصوب مجلس را اجرا و هماهنگ می‌سازد.

اصل هشتادم

دولت سالیانه بیانیه سیاست کلی را تقدیم مجلس ملی خلق می‌نماید. بیانیه سیاست کلی موجب بحث‌هایی در خصوص عملکرد دولت می‌شود. این مباحث، براساس مفاد اصول صد و بیست و ششم، صد و بیست و هفتم و صد و بیست و هشتم، به صدور قطعنامه یا استیضاح منجر می‌شود. رئیس دولت می‌تواند درخواست رأی اعتماد کند.

اصل هشتاد و یکم

رئیس دولت، علاوه بر اختیاراتی که نص صریح قانون اساسی به وی اعطای می‌کند، اختیارات زیر را نیز اعمال می‌نماید:

- ۱- توزیع اختیارات بین اعضای دولت ضمن رعایت مفاد قانون اساسی؛
- ۲- ریاست شورای دولت؛
- ۳- نظارت بر اجرای قوانین و مقررات؛
- ۴- امضای تصویب‌نامه‌های اجرایی دولت؛
- ۵- انتصاب به مشاغل حکومتی، بدون خدشه‌دار ساختن مفاد بندهای ۷ و ۱۰ اصل هفتاد و چهارم.

اصل هشتاد و دوم

رئیس دولت می‌تواند استعفای دولت خود را تقدیم رئیس جمهور کند.

اصل هشتاد و سوم

رئیس جمهور نمی‌تواند در هیچ موردی اختیارات مربوط به انتصاب اعضای شورای قانون اساسی که در حیطه اختیارات وی است و همچنین اختیارات مربوط به انتصاب رئیس دولت، اعضای دولت، اعضای شورای عالی امنیت و شورای عالی اسلامی و اختیارات مربوط به عزل آنها را واگذار نماید.

همچنین وی نمی‌تواند اختیارات مربوط به توسل به همه پرسی، انحلال مجلس ملی خلق، تصمیم به انتخابات زودرس مجلس، اجرای مفاد اصول هشتاد و ششم تا نود و یکم قانون اساسی و همچنین اختیارات معین در بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۰ و ۱۱ اصل هفتاد و چهارم و مفاد اصول صد و هفدهم و صد و هجدهم قانون اساسی را واگذار نماید.

اصل هشتاد و چهارم

هنگامی که رئیس جمهور به علت بیماری صعب‌العلاج و طولی‌المدت به طور کامل نتواند وظایف خود را انجام دهد، شورای قانون اساسی به طور قانونی تشکیل جلسه می‌دهد و پس از بررسی حقیقت معذورت کامل وی، به اتفاق آراء اعلام وضعیت معذورت را به مجلس ملی خلق پیشنهاد می‌کند.

مجلس ملی خلق با اکثریت دو سوم آراء اعضا وضعیت معذورت رئیس جمهور را اعلام و رئیس مجلس را مأمور تصدی پست وی می‌نماید، ایشان اختیارات رئیس جمهور را با رعایت مفاد اصل هشتاد و پنجم اعمال می‌کند.

در صورت تداوم معذورت پس انقضای مهلت چهل و پنج روز، طبق شیوه‌معین در بندهای پیشین مفاد بندهای بعدی این اصل، نسبت به اعلام عدم تصدی سمت ریاست جمهوری ناشی از استعفای قانونی اقدام می‌شود.

در صورت استعفا یا فوت رئیس جمهور، بلافاصله شورای قانون اساسی تشکیل جلسه می‌دهد و عدم تصدی قطعی سمت ریاست جمهوری را کتباً تصدیق می‌نماید.

شورای قانون اساسی در اسرع وقت سند اعلام عدم تصدی قطعی را به مجلس ملی خلق ارسال می‌کند و مجلس به طور قانونی تشکیل جلسه می‌دهد. رئیس مجلس ملی خلق حداکثر به مدت چهل و پنج روز مسئولیت ریاست حکومت را عهده‌دار می‌شود؛ در طی مدت مزبور انتخابات ریاست جمهوری انجام می‌پذیرد.

رئیس حکومت مذکور نمی‌تواند نامزد سمت ریاست جمهوری گردد.

رئیس جمهور منتخب طبق اصول شصت و هفتم تا هفتاد و چهارم قانون اساسی مأموریت خود را به انجام می‌رساند.

در مورد همزمانی فوت رئیس جمهور و تعطیلی ناشی از انحلال مجلس ملی خلق، شورای قانون اساسی قانوناً تشکّل جلسه می‌دهد و عدم تصدی قطعی سمت ریاست جمهوری را کتباً تصدیق می‌نماید.

رئیس شورای قانون اساسی، تحت شرایط مندرج در بندهای پیشین این اصل واصل هشتاد و پنجم قانون اساسی مسئولیت ریاست حکومت را عهده‌دار می‌شود.

اصل هشتاد و پنجم

دولتی را که در دوران معذوریت، فوت یا استعفای رئیس جمهور انجام وظیفه می‌کند، تا آغاز بکار رئیس جمهور جدید نمی‌تواند استعفا دهد یا مورد تغییرات اساسی واقع شود.

در صورتی که رئیس دولت وقت نامزد سمت ریاست جمهوری باشد قانوناً مستعفی تلقی مستعفی تلقی می‌گردد و وظایف رئیس حکومت وی را به یکی دیگر از اعضای دولت واگذار می‌کند.

مفاد بندهای ۸ و ۹ اصل هفتاد و چهارم و همچنین اصول هفتاد و پنجم، نودم، صد و بیستم، صد و بیست و یکم، صد و بیست و هفتم و صد و بیست و هشتم قانون اساسی در طول مهلت‌های چهل و پنج روزه مجرا نیستند.

در طول مهلت‌های مزبور اصول هشتاد و هفتم، هشتاد و هشتم، هشتاد و نهم و نود و یکم قانون اساسی فقط در صورت تصویب مجلس ملی خلق و پس از مشورت قبلی با شورای قانون اساسی و شورای عالی امنیت مجرا هستند.

اصل هشتاد و ششم

در موارد الزامات شدید، رئیس جمهور ضمن فراخوانی شورای عالی امنیت به تشکیل جلسه و ضمن مشورت با رئیس مجلس ملی خلق، رئیس دولت و رئیس شورای قانونی اساسی حکم اعلام وضعیت اضطراری یا، برای مدتی معین، حکومت نظامی را صادر و تدابیر لازم برای بازگشت به وضعیت عادی را اتخاذ می‌نماید.

مدت وضعیت اضطراری یا حکومت نظامی فقط با تصویب مجلس ملی خلق تمدید می‌شود.

اصل هشتاد و هفتم

چنانچه خطری قریب‌الوقوع نهاده‌ها، استقلال یا تمامیت ارضی کشور را تهدید نماید، رئیس جمهور وضعیت استثنایی را اعلام می‌کند.

چنین تصمیمی پس از مشورت با شورای قانون اساسی و استماع نظر شورای عالی امنیت و شورای وزیران اخذ می‌گردد.

وضعیت استثنایی امکان اخذ تدابیر استثنایی را برای رئیس جمهور فراهم می‌نماید؛ حفظ استقلال ملت و نهادهای جمهوری اتخاذ تدابیر مزبور را ایجاب می‌کند.

در چنین وضعیتی مجلس ملی خلق به طور قانونی تشکیل جلسه می‌دهد. وضعیت استثنایی به شکل و به نحو حاکم بر بیانیه آن پایان می‌پذیرد.

اصل هشتاد و هشتم

رئیس جمهور حکم بسیج عمومی را صادر می‌کند.

اصل هشتاد و نهم

رئیس جمهور ضمن فراخوانی شورای وزیران برای تشکیل جلسه و ضمن استماع نظر شورای عالی امنیت، در صورت تهاجم واقعی یا قریب‌الوقوع، طبق مقررات مربوطه منشور ملل متحد، اعلان جنگ می‌دهد.

در چنین وضعیتی مجلس ملی خلق به طور قانونی تشکیل جلسه می‌دهد. رئیس جمهور با صدور پیامی ملت را از وضعیت موجود مطلع می‌نماید.

اصل نودم

در طول وضعیت جنگی قانون اساسی به حالت تعلیق درمی‌آید و رئیس جمهور شخصاً عهده‌دار کلیه اختیارات می‌شود.

اصل نود و یکم

رئیس جمهور قرارداد آتش بس و قرارداد صلح را امضا می‌کند. وی از شورای قانون اساسی در خصوص قراردادهای مربوطه نظرخواهی می‌کند. وی قراردادهای مزبور را بلافاصله به تصویب قطعی مجلس ملی خلق می‌رساند.

مبحث دوم قوه مقننه

اصل نود و دوم

مجلس واحدی به نام «مجلس ملی خلق» قوه مقننه را اعمال می‌کند. مجلس مزبور قانون را رأساً تدوین و تصویب می‌کند.

اصل نود و سوم

مجلس ملی خلق بر عملکرد دولت، تحت شرایط معین در اصول هفتاد و ششم و هشتادم قانون اساسی، نظارت عام دارد.

اصل نود و چهارم

مجلس ملی خلق در چارچوب اختیارات خود مندرج در قانون اساسی باید به مأموریت محوله از سوی مردم وفادار باشد و همیشه به سخنانشان گوش فرا دهد.

اصل نود و پنجم

اعضای مجلس ملی خلق از طریق انتخابات همگانی، مستقیم و مخفی انتخاب می‌شوند.

اصل نود و ششم

دوره نمایندگی مجلس ملی خلق پنج سال است. دوره مزبور فقط در مواردی که فوق‌العاده حاد و مانع انجام عادی انتخابات است تمدید می‌شود.

مجلس ملی خلق به پیشنهاد رئیس جمهور و با مشورت با شورای قانون اساسی با اخذ تصمیم مقتضی این امر را تأیید می‌کند.

اصل نود و هفتم

قانون شکل انتخاب وکلا و بخصوص تعداد آنها، شرایط انتخاب شدن و نحوه اعتراض به آن را تعیین می‌کند.

اصل نود و هشتم

تأیید اعتبار نمایندگی وکلا در حیطه صلاحیت مجلس ملی خلق است.

اصل نود و نهم

مأموریت نمایندگی وکیل مأموریتی ملی است.

این مأموریت قابل تکرار است.

اصل صدم

وکیلی که حائز شرایط انتخاب شدن نباشد یا دیگر نباشد اعتبار نمایندگی خود را از دست می‌دهد. فقدان اعتبار مزبور ناشی از تصمیم مجلس ملی خلق با اکثریت آراء اعضاست.

اصل صد و یکم

وکیل در قبال سایر وکلا که می‌توانند، در صورت ارتکاب عملی دون شأن نمایندگی، از وی خلع ید نمایند مسؤول است.

قانون شرایط رد اعتبارنامه وکلا را تعیین می‌کند. رای مزبور بدون خدشه دارساختن حقوق عمومی به تصویب اکثریت اعضای مجلس ملی خلق می‌رسد.

اصل صد و دوم

قانون شرایط پذیرش استعفای یکی از اعضا را از سوی مجلس ملی خلق تعیین می‌کند.

اصل صد و سوم

مصونیت پارلمانی وکلا در طول مدت نمایندگی ایشان به رسمیت شناخته می‌شود.

هیچ وکیلی به علت اظهارنظر یا سخنرانی یا آراء خود در طول انجام وظیفه نمایندگی، مورد تعقیب، بازداشت یا به طور کلی هر گونه اقدام مدنی یا کیفری قرار نمی‌گیرد.

اصل صد و چهارم

چنانچه وکیلی عمل خلاف مرتکب شود، فقط در صورت صرفنظر صریح وی از حقوق خود یا به مجوز مجلس ملی خلق که با اکثریت آراء اعضا سلب مصونیت از وی را تصویب نماید، قابل پیگرد و تعقیب است.

اصل صد و پنجم

در صورت ارتکاب جرم یا جنایت مشهود می‌توان وکیل را بازداشت و هیئت رئیسه مجلس ملی خلق را بلافاصله از این امر آگاه نمود.

هیئت رئیسه مجلس ملی خلق طبق مفاد اصل صد و چهارم می‌تواند خواستار تعلیق پیگرد و آزادی وکیل مورد نظر گردد.

اصل صد و ششم

قانون شرایط جایگزینی وکیل را در صورت عدم تصدی کرسی نمایندگی وی تعیین می‌کند.

اصل صد و هفتم

دستگاه قانونگذاری به طور قانونی ده روز پس از انتخابات مجلس ملی خلق، به ریاست رئیس سنی و معاونت دو نفر از جوانترین وکلا کار خود را آغاز می‌کند. دستگاه قانونگذاری نسبت به انتخاب هیئت رئیسه و تشکیل کمیسیونهای خود اقدام می‌کند.

اصل صد و هشتم

رئیس مجلس ملی خلق برای یک دوره قانونگذاری به این سمت برگزیده می‌شود.

اصل صد و نهم

قانون سازماندهی و کار مجلس ملی خلق و همچنین بودجه و حقوق و مزایای اعضای آن را تعیین می‌کند. مجلس ملی خلق آیین‌نامه داخلی خود را تدوین و تصویب می‌نماید.

اصل صد و دهم

جلسات مجلس ملی خلق علنی هستند. دستور جلسه‌ای برای جلسات مزبور در نظر گرفته شده است که تحت شرایط قانونی منتشر می‌شود. مجلس ملی می‌تواند به درخواست رئیس مجلس، اکثریت اعضای حاضر در مجلس یا دولت اقدام به تشکیل جلسه غیر علنی نماید.

اصل صد و یازدهم

مجلس ملی خلق کمیسیونهای خود را در چارچوب آیین‌نامه داخلی مجلس تشکیل می‌دهد. کمیسیونهای مجلس ملی خلق دائمی هستند.

اصل صد و دوازدهم

مجلس ملی خلق دارای دو نشست سالیانه است که هر کدام حداکثر سه ماه به طول می‌انجامد.

رئیس جمهور می‌تواند مجلس ملی خلق را به نشست فوق‌العاده فرا خواند؛ این نشست همچنین به درخواست دو سوم اعضای مجلس یا به درخواست رئیس دولت نیز تشکیل می‌شود.

نشست فوق‌العاده مجلس ملی خلق با انجام دستور جلسه‌ای که موجب نشست مزبور شده بود خاتمه می‌یابد.

اصل صد و سیزدهم

رئیس دولت و اعضای مجلس ملی خلق توأمأً از حق پیشنهاد قانون برخوردارند. پیشنهادهاي قانوني زماني قابل طرح هستند که از طرف بيست نفر از وکلا ارائه شوند.

لوايح قانوني بدوآً در شوراي وزيران مطرح مي شود و سپس رئيس دولت آن را تقديم هيئت رئيسه مجلس ملي خلق مي نمايد.

اصل صد و چهاردهم

هر طرح قانوني که کاهش درآمد يا افزايش مخارج دولت را به دنبال داشته باشد غير قابل پذيرش است مگر اينکه تدابيри در جهت افزايش عايدات حکومت يا درجهت حداقل صرفه جويي متناسب با مخارج دولتي اخذ کرده باشد.

اصل صد و پانزدهم

مجلس ملي خلق در زمينه هايي که قانون اساسي به او واگذار کرده است اقدام به قانونگذاري مي کند.

موارد زير نيز در حيطه قانون قرار دارند:

۱- حقوق و وظائف بنيادين اشخاص، بخصوص آزاديهاي عمومي، حفظ آزاديهاي فردي و تعهدات اتباع؛

۲- قواعد کلي مربوط به هويت اشخاص و حقوق خانواده و بخصوص به ازدواج، طلاق، ذريت، اهليت و وراثت؛

۳- شرايط اقامت اشخاص؛

۴- قوانين بنيادين مليت؛

۵- مقررات کلي مربوط به وضعيت بيگانگان؛

۶- مقررات مربوط به سازمان قضايي و ايجاد محاکم؛

۷- مقررات کلي حقوق کيفري و آيين دادرسي کيفري و بخصوص تعيين جرايم و جنايات، تعيين مجازاتهاي گوناگون متناسب، عفو عمومي و استرداد مجرم؛

۸- مقررات کلي آيين دادرسي مدني و مجاري اجرايي؛

۹- ساختار الزامات مدني و تجاري؛

۱۰- نظام انتخاباتي؛

۱۱- تقسيمات کشوري؛

۱۲- تصويب طرحهاي ملي؛

۱۳- تصويب بودجه حکومت؛

۱۴- وضع، ميزان و موارد مشمول عوارض، سهميه ها و مالياتها و کليه حقوق مربوطه؛

۱۵- نظام گمرکي؛

۱۶- نظام بانکها، اعتبار و بيمه ها؛

۱۷- مقررات کلي مربوط به آموزش؛

۱۸- مقررات کلي مربوط به بهداشت عمومي و جمعيت؛

۱۹- مقررات کلي مربوط به حقوق کار و بیمه اجتماعي؛

۲۰- مقررات کلي مربوط به محیط زیست؛

۲۱- مقررات کلي مربوط به حمایت از حیات وحش و گیاهان بومي؛

۲۲- حمایت و حفاظت از میراث ملي فرهنگي و تاريخي؛

۲۳- نظام کلي سرپرستي جنگلها و مراتع؛

۲۴- نظام کلي آبها؛

۲۵- نظام کلي معادن و مواد سوختي؛

۲۶- ابداع نشانها، امتيازات و عناوين افتخاري حکومتي.

اصل صد و شانزدهم

جز موارد موجود در حیطه قانون، ساير موارد در حیطه اختيارات آيين نامه اي رئيس جمهور است.

اجرائي قوانين در حیطه آيين نامه اي رئيس دولت است.

اصل صد و هفدهم

رئيس جمهور قوانين را ظرف سي روز پس از دريافت توشيح مي نمايد.

اصل صد و هيچدهم

رئيس جمهور مي تواند بررسي مجدد قانون مصوب را درخواست نمايد؛ درخواست مزبور سي روز پس از تصويب قانون انجام مي گيرد.

در اين موارد رأي اڪثريت دو سوم اعضاي مجلس ملي خلق، براي تصويب قانون، لازم است.

اصل صد و نوزدهم

رئيس جمهور مي تواند براي مجلس ملي خلق پيام کتبي ارسال نمايد.

اصل صد و بيستم

رئيس جمهور مي تواند، پس از مشورت با رئيس مجلس ملي خلق و رئيس دولت، در مورد انحلال مجلس ملي خلق يا انجام انتخابات زودرس تصميم گيري نمايد. در هر دو صورت انتخابات مجلس بايد حداکثر ظرف سه ماه انجام پذيرد.

اصل صد و بيست و يکم

مجلس ملي خلق به درخواست رئيس جمهور يا رئيس مجلس مي تواند بحث سياست خارجي را مطرح کند.

اين مباحث در صورت اقتضا به تنظيم قطعنامه اي مي انجامد که رئيس مجلس آن را به اطلاع رئيس جمهور مي رساند.

اصل صد و بيست و دوم

رئيس جمهور موافقتنامه هاي آتش بس، صلح، اتحاد و همبستگي، قراردادهاي مربوط به مرزهاي کشور و همچنين قراردادهاي مربوط به وضعيت اشخاص و قراردادهايي را که هزینه هاي پيش بيني نشده اي بر بودجه حکومت تحميل مي نمايد پس از تصويب قطعي مجلس ملي خلق تصويب مي کند.

اصل صد و بیست و سوم

قراردادهایی که رئیس جمهور با شرایط مذکور تصویب می‌کند بر قانون ارجحیت دارد.

اصل صد و بیست و چهارم

اعضای مجلس ملی خلق می‌توانند دولت را برای اداء توضیحات در خصوص سؤال مربوط به مسائل روز به مجلس احضار نمایند.

توضیحات اعضای هیأت دولت در کمیسیونهای مجلس ملی خلق مسموع است.

اصل صد و بیست و پنجم

اعضای مجلس ملی خلق می‌توانند سؤالات خود را شفاهاً یا کتباً برای هر يك از اعضای هیأت دولت ارسال کنند.

به سؤالات کتبی حداکثر ظرف سی روز کتباً پاسخ داده می‌شود.

چنانچه مجلس ملی خلق پاسخ، شفاهی یا کتبی، وزیر مورد نظر را توجیه کننده تلقی نماید، بحث با شرایطی که آیین‌نامه داخلی مجلس ملی خلق پیش‌بینی کرده است آغاز می‌شود.

پرسش و پاسخ با همان شرایط دستور جلسات مباحث مجلس ملی خلق چاپ و منتشر می‌شود.

اصل صد و بیست و ششم

مجلس ملی خلق می‌تواند در مباحث مربوط به اعلام سیاست کلی، با پیشنهاد استیضاح به مسئولیت دولت معترض شود.

پیشنهاد مزبور فقط با امضاء حداقل يك هفتم تعداد کل وکلا قابل بررسی است.

اصل صد و بیست و هفتم

پیشنهاد استیضاح باید به تصویب اکثریت دو سوم وکلا برسد.

رأی‌گیری سه روز پس از ارائه پیشنهاد استیضاح انجام می‌گیرد.

اصل صد و بیست و هشتم

هنگامی که پیشنهاد استیضاح به تصویب مجلس ملی خلق برسد، رئیس دولت استعفای دولت خود را تقدیم رئیس جمهور می‌کند.

مبحث سوم قوه قضاییه

اصل صد و بیست و نهم

قوه قضاییه مستقل است.

اصل صد و سیام

قوه قضاییه از جامعه و آزادیها حمایت و حفظ آزادیهای بنیادین را برای همگان و برای آحاد ملت تضمین کند.

اصل صد و سی و یکم

عدالت بر اصول مشروعیت و مساوات پایه‌گذاری شده است.

عدالت برای همگان و در دسترس همگان است و در رعایت حقوق نمود می‌یابد.

اصل صد و سي و دوم

عدالت به نام مردم جاري مي‌شود.

اصل صد و سي و سوم

مجازات‌هاي كيفري تابع اصول مشروعيت و شخصيت هستند.

اصل صد و سي و چهارم

دادگستري در برخورد با اعمال مرتکبه مسؤولين مملکتي مساعدت‌هاي اعمال‌مي‌نمايد.

اصل صد و سي و پنجم

تصميمات قضايي در جلسه علني اتخاذ و اعلام مي‌شوند.

اصل صد و سي و ششم

تمامي سازمان‌هاي حکومتي در هر زمان، در هر مکان و در هر وضعيتي مجري احکام قضايي هستند.

اصل صد و سي و هفتم

صاحب‌منصبان قضايي عدالت را جاري مي‌سازند. دستياران خلقي، در شرايط معين در قانون، صاحب‌منصبان قضايي را ياري مي‌رسانند.

اصل صد و سي و هشتم

قاضي فقط تابع قانون است.

اصل صد و سي و نهم

قاضي در مقابل هر نوع فشار، دخالت يا اقدامي، به منظور خدشه وارد نمودن به انجام مأموريت يا به رعايت قضاوت آزادانه وي، حمايت مي‌شود.

اصل صد و چهل و یکم

صاحب‌منصبان قضايي به صور معين در قانون در برابر شوراي عالي قضايي، درخصوص نحوه انجام مسؤوليت خود مسؤولند.

اصل صد و چهل و یکم

قانون از تابعين دادگستري در مقابل هر نوع سوء استفاده يا انحراف قاضي حمايت مي‌کند.

اصل صد و چهل و دوم

حق دفاع به رسميت شناخته مي‌شود.

حق مزبور در زمينه كيفري تضمين مي‌شود.

اصل صد و چهل و سوم

ديوان عالي در تمامي زمينه‌هاي حقوقي، نقش سازمان تنظيم کننده فعاليت دادگاهها و محاکم را ايفا مي‌کند.

ديوان يکساني رويه قضايي در کشور و نظارت بر رعايت حقوق را عهده‌دار است.

اصل صد و چهل و چهارم

قانون سازماندهي، عملکرد و ساير اختيارات ديوان عالي را تعيين مي‌کند.

اصل صد و چهل و پنجم

رئیس جمهور ریاست شورای عالی قضایی را عهده‌دار است.

اصل صد و چهل و ششم

شورای عالی قضایی، با شرایط معین در قانون، در مورد انتصابات، تغییر مشاغل کارکنان و نحوه انجام کار صاحب‌منصبان قضایی اعلام نظر می‌کند. شورا همچنین تحت ریاست دبیر اول شورا بر رعایت مفاد اساسنامه قضایی و نظارت کامل بر انضباط صاحب‌منصبان قضایی توجه دارد.

اصل صد و چهل و هفتم

شورای عالی قضایی نظر مشورتی خود را پیش از صدور حکم عفو از سوی رئیس جمهور اعلام می‌دارد.

اصل صد و چهل و هشتم

قانون ترکیب، عملکرد و سایر اختیارات شورای عالی قضایی را تعیین می‌کند.

فصل سوم نظارت و سازمانهای مشورتی

مبحث یکم نظارت کامل

اصل صد و چهل و نهم

مجالس منتخب در ابعاد خلقی خود وظیفه نظارت کامل را بر عهده دارند.

اصل صد و پنجاهم

دولت گزارش استفاده از اعتبارات بودجه‌ای را که مجلس ملی خلق در مورد کلیه عملیات بودجه‌ای برای دولت تصویب کرده است تقدیم مجلس می‌نماید. در مورد مجلس ملی خلق، عملیات با تصویب قانونی مربوط به پرداخت بودجه عملیات مورد نظر، ختم می‌شود.

اصل صد و پنجاه و یکم

مجلس ملی خلق در چارچوب اختیارات و امتیازات خود، هر آن می‌تواند نسبت به تشکیل کمیسیون تحقیق در خصوص مسائل دارای منافع کلی اقدام کند.

اصل صد و پنجاه و دوم

سازمانها و نهادهای ناظر موظفند مطابقت اقدامات قانونی و اجرایی را با قانون اساسی و همچنین شرایط استفاده و بکارگیری امکانات مادی و پولی دولتی را بررسی کنند.

اصل صد و پنجاه و سوم

شورای قانون اساسی با هدف نظارت بر رعایت قانون اساسی تشکیل می‌شود.

شورا همچنین بر روند همه پرسی، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس نظارت دارد و نتیجه عملیات مذکور را اعلام می‌کند.

اصل صد و پنجاه و چهارم

شورای قانون اساسی دارای هفت عضو است که دو نفر به معرفی رئیس جمهور، دو نفر به انتخاب مجلس ملی خلق و دو نفر به انتخاب دیوان عالی از بین اعضای دیوان، برگزیده می‌شوند.

این افراد به محض انتخاب یا معرفی هر نوع نمایندگی، شغل، وظیفه یا مأموریت دیگری را ترک می‌کنند.

اعضای شورای قانون اساسی دارای مأموریت منحصر به فرد شش ساله هستند و نیمی از آنها هر سه سال عوض می‌شوند.

رئیس جمهور، رئیس شورای قانون اساسی را با مأموریت منحصر به فرد شش ساله به این سمت منصوب می‌کند.

اصل صد و پنجاه و پنجم

علاوه بر اختیاراتی که نص صریح قانون اساسی به شورای قانون اساسی واگذار کرده است، شورا در خصوص مطابقت قراردادها، قوانین و آیین‌نامه‌ها، پیش از اجرای آنها با اعلام نظر و در غیر این صورت با صدور حکم، نظر خود را اعلام می‌دارد.

شورا همچنین در مورد مطابقت مفاد آیین‌نامه داخلی مجلس ملی خلق با قانون اساسی نظر خود را اعلام می‌کند.

اصل صد و پنجاه و هشتم

رئیس جمهور یا رئیس مجلس ملی خلق شورای قانون اساسی را به تشکیل جلسه فرامی‌خواند.

اصل صد و پنجاه و هفتم

جلسات شورای قانون اساسی محرمانه است؛ نظرات یا احکام صادره شورابست روز پس از دریافت سند مورد نظر اعلام می‌گردد.

شورا مقررات کار خود را تعیین می‌کند.

اصل صد و پنجاه و هشتم

چنانچه شورای قانون اساسی قرار داد، موافقتنامه یا کنوانسیون را مغایر با قانون اساسی تشخیص دهد سند مزبور تصویب نمی‌شود.

اصل صد و پنجاه و نهم

چنانچه شورای قانون اساسی مقرراتی قانونی یا آیین‌نامه‌ای را مغایر با قانون اساسی تشخیص دهد مقررات مزبور از تاریخ اخذ تصمیم شورا فاقد اعتبار می‌شود.

اصل صد و شصتم

دیوان محاسبات با مسئولیت نظارت نهایی بر دارایی حکومت، تقسیمات کشوری و مؤسسات دولتی تأسیس می‌شود.

دیوان محاسبات گزارش سالانه خود را تقدیم رئیس جمهور می‌نماید.

قانون سازماندهی و عملکرد دیوان محاسبات و تصویب بررسی‌های دیوان محاسبات را تعیین می‌کند.

مبحث دوم نهادهاي مشورتي

اصل صد و شصت و يكم

شوراي عالي اسلامي تحت نظر رئيس جمهور تشكيل مي‌شود.
شوراي عالي اسلامي داراي يازده عضو است كه رئيس جمهور از بين رجال مذهبي برمي‌گزیند.

رئيس شوراي عالي اسلامي از بين اعضاي شورا برگزيده مي‌شود.

اصل صد و شصت و دوم

شوراي عالي امنيت به رياست رئيس جمهور تشكيل مي‌شود. شورا موظف است در مورد تمامي مسائل مربوط به امنيت ملي نظرات خود را به رئيس جمهور ارائه نمايد.

رئيس جمهور چگونگي سازماندهي و عملکرد شوراي عالي امنيت را تعيين مي‌کند.

فصل چهارم بازنگري قانون اساسي

اصل صد و شصت و سوم

بازنگري قانون اساسي به ابتكار رئيس جمهور و با تصويب مجلس ملي خلق و تصويب مردم از طريق همه پرسی و توشيح رئيس جمهور انجام مي‌شود.

اصل صد و شصت و چهارم

چنانچه طبق نظر شوراي قانون اساسي، طرح بازنگري قانون اساسي هيچ‌خنده‌اي به اصول كلي مديريتي جامعه الجزاير، حقوق و آزاديهاي بشر و اتباع، وارد نسازد و به هيچ وجه تعادلهاي بنيادين اختيارات و نهادها را متأثر نسازد، رئيس جمهور مي‌تواند مستقيماً قانون مربوط به بازنگري قانون اساسي را بدون ارجاع به همه پرسی، پس از كسب آراء سه چهارم اعضاء مجلس ملي خلق، توشيح نمايد.

اصل صد و شصت و پنجم

قانون مربوط به طرح بازنگري قانون اساسي، ظرف چهل و پنج روز پس از تصويب مجلس ملي خلق تحت شرايط متون حقيقي، از طريق همه پرسی به تصويب مردم ارجاع مي‌شود.

اصل صد و شصت و ششم

در صورت عدم تصويب قانون مربوط به طرح بازنگري قانون اساسي از سوي مردم، قانون مزبور كان لم يكن تلقي مي‌شود؛ نمي‌توان قانون مزبور را در طول اين دوره قانونگذاري مجدداً به همه پرسی گذارد.

اصل صد و شصت و هفتم

رئيس جمهور متن بازنگري قانون اساسي مصوب ملت را توشيح مي‌کند.

مقررات انتقالي

سه عضو شوراي قانون اساسي که هر کدام در چارچوب گروه دو نفره‌اي که
يکي از ارکان حکومت برگزيده يا معرفي کرده‌اند در اولين تعويض جزيي از
طريق قرعه‌کشي مشخص مي‌شوند.
